

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نصر (جله نم)

ختم منتهوی استاد اخوت ۹۴/۸/۳۰

مختصری راجع به استغفار

قبل از ورود به سوره ی مبارکه ی کوثر دانستن مطالبی اندک از استغفار مهم است. استغفار مطالب زیادی دارد و در اینجا مختصری از آن مطرح می شود.

استغفار و توبه در روایت باهم است؛ "استغفرالله و اتوب الیه" / "استغفر الله ربی و اتوب الیه".

حضرت رسول روزی ۷۰ مرتبه استغفار می کردند.

"استغفار" به باب استفعال رفته و در آن طلب دارد ولی توبه به باب نرفته.

هر جا "استغفار" هست، مزیت و عایدی هم هست.

در "توبه و استغفار"، "رجوع و برائت" از گناه مطرح است.

"رجوع" زمانی است که شخصی گناه کرده و پشیمان شده است.

در "برائت" ممکن است شخص گناه هم نکرده باشد و برائت از گناه کند.

مثال از "برائت"؛ به عنوان مثال ما قاتلان حسین علیه السلام را در زیارت عاشورا لعن می کنیم. ما در این گناه شرکت نداشتیم و با این برائت، خود را از آن ها دور می کنیم.

با "استغفار"، دیگر گناه انجام نمی شود.

با "توبه"، شخص در مسیر انجام احکام قرار می گیرد.

"استغفار"، در استعاذه نهفته است.

در "استعاذه"، استغفار در مسیر امنیت و حصن قرار می‌گیرد. بعضی استعاذه‌ها از استغفار بالاترند. بعضی استعاذه‌ها برای مخلصین است.

دعاهای استغفار زیاد است.

* در صحیفه علویه دعای ۱۶ یا ۱۷: دعائه امام علیه السلام فی الانقطاع الی الله: که در آن مولفه‌های استعاذه مطرح می‌شود. (انس و کفایت، استجاره)

در ابتدای دعا، آیاتی که در مورد استعاذه هستند را بیان می‌شود.

✓ سوره ی مبارکه ی ذاریات: "كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الْأَلْبَابِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷) وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱۸)"

بعد از آیه می‌فرمایند: "و انا استغفرک و اتوب الیک"

✓ سوره ی مبارکه ی بقره: "ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۹)"

بعد از آیه می‌فرمایند: "و انا استغفرک و اتوب الیک"

✓ سوره ی مبارکه ی آل عمران: "الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَنَاتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)"

بعد از آیه می‌فرمایند: "و انا استغفرک و اتوب الیک"

✓ سوره ی مبارکه ی آل عمران: "وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَن يَعْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)"

بعد از آیه می‌فرمایند: "و انا استغفرک و اتوب الیک"

همه آیات استغفار را بدون استثنا می‌آورند و واقعا استغفار می‌کنند. نمی‌گویند من فاحشه انجام ندادم که بخواهم استغفار کنم. با این که دیگری فاحشه انجام داده ایشان عذر خواهی می‌کنند. اغلب آیات هم به ترتیب مصحف است. آخرین آیه هم استغفار سوره نصر است.

حضرات معصومین همه این مراتب استغفار را داشتند. و ایشان برائت از بُعد خدا داشتند؛ "ادب از که آموختی از بی ادبان" یعنی هر بی ادبی استغفار تو را بیشتر می کند. من در برابر هر بی ادبی مسئول هستم. من کم کاری کردم که او بی ادب شده است. به این ترتیب در سیستم خدا دور ریز وجود ندارد. بدی هر کسی در این دنیا می تواند استغفار دیگران را در پی داشته باشد. با بدی فرعون، موسی به خدا نزدیکتر می شود.

این دعا نشان می دهد که ما می توانیم به ساخت بعضی دعاها دسترسی پیدا کنیم. موضوعی نگاه کردن به قرآن همین است.

وقتی از گناهی استعاده می کنیم یعنی این که داریم از آسیب این گناه به خدا پناه می بریم و با استغفار طلب غفران داریم.

در صحیفه علویه امام انواع ساخت دعا را به ما آموزش می دهد. هر آیه از قرآن می خوانی برای رسیدن به آن دعا کن. هر آیه از قرآن کاربردی می شود.

وقتی معصوم می گوید من، ذنب و گناه دارم، ما نمی توانیم بگویم که تو گناه نداری پس چرا استغفار می کنی. چون ما نمی دانیم که او ذنب را چه چیزی تعریف می کند. ذنب پیامبر را هم می توان توابع کار پیامبر در جامعه در نظر گرفت و هم ذنب امت پیامبر. ترازویی که کامیون را وزن می کنند با ترازویی که میوه را می سنجند و ترازویی که طلا را می سنجند متفاوت است. سنجش ما با پیامبر متفاوت است. ما مشکلمان این است که غیبت هایمان را کنترل کنیم. ولی مخلص ترازویش فرق می کنند. وسعت وجود که زیاد شود، دقت زیاد می شود. اگر جایی از عالم گناه شود، در ترازوی مخلص اثر ایجاد می شود. معلم نسبت به آم های تنبل کلاسش مسئولیت دارد. بخوع پیامبر همین است.

ظهور امام زمان مثلا ۱۰۰ نفر می خواهد. این استاندارد باید بوجود آید. این به کادر اجرایی بستگی دارد و آنها باید قوی شوند. چون اکثریت انسان ها مستضعف هستند و کاری نمی توانند بکنند، پس کادر اجرایی باید قوی باشند تا کار انجام شود. و گناه مساوی است با تأخیر در کادرسازی برای ظهور.

در استغفار و توبه اصل ماجرا روی فرد است. هر چه فرد احساس استغنا کند از استغفار دور می شود. پیامبران از وجوه مختلف نیاز خود را کشف می کنند و استغفار می کنند. به همین خاطر استغفارهای متنوع دارند.

*دعای بعدی دعاء استغفاره فی السحر. خیلی دعای جالبی است. بحث در این دعا این است که گناه موجب قطع بنده از خدا می شود. و توبه این جدایی را ترمیم می کند.

*دعائه علیه السلام فی الاستغفار ایضا: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ... الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَدْبَبْتُهُ وَ لِكُلِّ مَعْصِيَةٍ ارْتَكَبْتُهَا اللَّهُمَّ ارزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ عَزْماً ثَابِتاً وَ لُباً رَاجِحاً وَ قَلْباً ذَكِيّاً وَ عِلْماً [عَمَلًا] كَثِيراً وَ أَدَباً بَارِعاً وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در این دعا توبه و اراده وجه و نعمت‌ها، علت استغفار معرفی شده است. معیار گناه کردن یا نکردن، اراده وجه خداوند در هر لحظه است.

لوازم استغفار:

عقل کامل، عزم ثاقب (طارق باشد، خیلی راسخ باشد)، لب راجح (وجود ذی اثر)، قلب زکی (ملهم از غیب)، علم کثیر، ادب بارء (در ازای ادب، توقع ندارد).

از اینکه امام همه این ها را به نفع خود می خواهد و نه بر علیه خود، می شود دانست، می شود همه ی این ها برای انسان باشد ولی به ضررش باشد.

اگر همه ی این ها فقر انسان را زیاد کند خوب است. اگر حس استغنا بوجود آورد همین ها هم به ضرر انسان است. در پیشگاه خدا بهشتی شدن، فضل خدا را می خواهد یعنی ممکن است همه این لوازم باشد و کسی بهشتی نشود. از طرفی وجود، لحظه به لحظه افاضه می شود و ممکن است در لحظه ای این ها باشند یا نباشند. در روایات بلعم باعورا بعنوان کسی بود که این کمالات را داشت ولی حفظ نکرد. و حفظ کمالات مهم تر از کسب آن هاست.

*اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عَلْمُكَ فِيَّ وَ عَلَيَّ إِلَى آخِرِ عُمْرِي بِجَمِيعِ ذُنُوبِي لِأَوْلِيَّهَا وَ آخِرِهَا وَ عَمْدِهَا وَ خَطَايَها وَ قَلْبِهَا وَ كَثِيرِهَا وَ دَقِيقِهَا وَ جَلِيلِهَا وَ قَدِيمِهَا وَ حَدِيثِهَا وَ سِرِّهَا وَ عَلَانِيَتِهَا وَ جَمِيعِ مَا أَنَا مُذْنِبٌ [مُذْنِبٌ] وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ مَا أَحْصَيْتَ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ قَبْلِي فَإِنَّ لِعِبَادِكَ عَلَيَّ حُقُوقاً أَنَا مُرْتَهِنٌ بِهَا تُغْفِرُهَا لِي كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنِّي شِئْتُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مرتھن یعنی مسئول بودن در قبال آن. ما زیاد دیدیم که خیلی آدم ها دنبال علم بودند و نرسیدند چون در رهن بندگان خدا بودند و انسان‌هایی که خود را از رهن درآوردند و به آنچه می‌خواستند رسیدند.

انس گرفتن با روایات خیلی مهم است. این روایات را برای ما نوشتند و به ما ارث رسیده است. باید با چنین حسی روایت بخوانیم. گاهی انسان چنین حسی دارد که گویا امام این روایت را برای من فرموده است.

تنوع استغفار برای این است که همه ی منافع را نشان دهند.

تجمل در فرج امام زمان (عج) صلوات